



جام جم لوایح اولویت‌دار قوه مجریه که در راه مجلس هستند را بررسی می‌کند

۲۲ اولویت دولت در خانه ملت

{ ۲ }

پلیس برای اول مهر با ۲۸۰۰ گشت در کمین ساقی‌های اطراف مدارس است

در کمین گل فروشان

سال ۵۰۸۰/۰ درصد بودند، سال ۹۰ شدند يك درصد، سال ۹۵ یکبارہ شدند دو برابر و رسیدند به ۲ درصد، از آن به بعد هم هروقت آمار می‌دهند، می‌گویند دانش‌آموزان معتاد حول و حوش همین عددند. عدد دقیق است یا نه، مسؤولان سستاد مبارزه با مواد مخدر می‌گویند دقیق است ولی نمی‌دانم دخترکانی که درمانگران اعتیاد معتقدند مصرف‌کننده‌اند ولی اعتیادشان را بروز نمی‌دهند و رغبتی به ترک ندارند یا پسرکانی که هنوز اعتیادشان لو نرفته و در مدرسه کسی بو نبرده است نیز جزو همین آمارند یا نه.

فرهاد توحیدی، نویسنده فیلمنامه «مست عشق» از جزئیات این فیلم و همکاری با حسن فتحی می‌گوید:

سریال مولانا را هم می‌سازیم



گزارشی از برنامه «از آسمان» که روایتگر زندگی شهداست؛ از شهدای انقلاب گرفته تا مدافعان حرم

۱۳۰۰ ساعت «از آسمان»



آقای دادستان! حرمت چادر چه می‌شود؟

چهار سالم بود. محرم‌ها با مادرم می‌رفتم روضه خانه خوشروها؛ یک خانه با معماری قاجاری. منبر وسط قسمت زنانه بود. دور تا دور منبر زن‌ها می‌نشستند و همه طبیعتاً با چادرهای مشکی. سید می‌رفت روی پله دوم منبر می‌نشست و تمام مدت با چشم بسته حرف می‌زد. من از حرف‌های سید هیچ نمی‌فهمیدم و مدام چشم می‌گرداندم تا ببینم پیرمرد چای‌گردان کی به ما می‌رسد. به من که می‌رسید می‌نشستم. خم می‌شد یک سینی مربعی برنجی کهنه با یک قنددان سیاه که گویی فقط سه حبه قند تویش جا می‌شد و یک غنچه گل محمدی تزئینش بود، می‌گذاشت جلوییم. قند‌ها را می‌انداختم توی چای و داغی چای حلشان می‌کرد. بعد هم می‌زدم و نوبت مادرم بود که چای را در تلیکبی بریزد و جرعه جرعه به کامم بنشانند. آقا که می‌رفت توی روضه، همه زن‌ها چادرهاشان را می‌کشیدند روی صورتشان و پرهیجان‌ترین صحنه چهارسالگی‌ام گری می‌گرفت. یک همه‌مه غربیی از خیمه خانه خوشروها شروع می‌شد و می‌رفت توی عرش؛ همان جایی که سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است. این صحنه سوررئال‌ترین صحنه عمرم بود. چهارسالگی من می‌ایستاد و همه زن‌ها نشسته بودند من زل می‌زدم به این رشته‌کوه‌های کوچک‌ولی سیاه که گویی متراکم و فشرده از زمین روییده بودند و با رازله کلمه‌های روضه سید، تکان می‌خوردند و جلو و عقب می‌رفتند. یک وقت هایی هم در خانه خوشروها خوابم می‌برد و چادرم می‌شد خیمه‌ای که سایه‌اش روی شیطنت به خواب رفته‌ام می‌افتاد. یک وقت هایی پلک‌ها می‌کردم و می‌دیدم روی شانه مادرم در تاریکی زیر چادر، انگار عقب عقب راه می‌رفتم و همه چیز از پشت سرم در می‌آمد و در پرسپکتیو مقابلم کوچک می‌شد. کاشوب در تمامی ذرات عالم است...

هشت سالم بود. هر صبح اول بوی نفت می‌خزید زیر پره بینی‌ام و مغزم هشیار می‌شد که نیم ساعت دیگر باید بیدار شوی. بعد صدای سوت و جوش سماور نفتی سورا سرافیل بود برای من و برادر و خواهرهایم برای شروع یک روز دیگر مدرسه. من معمولاً با همان بوی نفت بیدار می‌شدم؛ ولی دوست داشتم مادرم دست روی صورتم بکشد و یک حامدجان بگوید و دلم ضعف برود و بعد بگویم چشم. یک لقمه نان و پنیر یا نیمروی خشک و برشته شده جلویم بخرانند و بعد راهی مدرسه‌ام کنند. آن روزها بم‌ها جولانگاه کاروان‌های قاچاق مواد مخدر بود. ماشین لخت می‌کردند. بچه می‌زدند. آدم گروگان می‌بردند و هزار دُنب لایقفر دیگر... یک وقت هایی که سوز هوا زیاد بود یا خبر نا امنی‌ای چیزی در بم می‌پیچید، صبح‌ها می‌آمدم ابرساند مدرسه. تا مدرسه‌مان راهی نبود که تاکسی و سرویس بخواهد. پیاده می‌رفتم. بال چادرش را وا می‌کرد من می‌رفتم زیر چادرش و راه می‌افتادیم سمت مدرسه و وای که چه تجربه مهیبی بود. یک لایه چادر مشکی می‌شد امن‌ترین اتاق ضد گلوله جهان و آرامشی نجیب می‌خزید زیر پوست هشت سالگی‌ام. گاهی چادرش ضخیم بود و هیچ نمی‌دیدم و با کلماتش هدایت می‌شدم؛ فقط می‌گفت جوی آب است یا سنگ است یا جدول است، تا مدرسه صدا می‌شنیدم و بوی مادرم که توی مشام‌م هوریز می‌کرد. گاهی هم چادر نازک‌تری انتخاب می‌کرد و می‌شد سایه‌هایی گنگ و مواج را دید و فکر را به هزار سمت و سو برد. زن حواسش به غرورم بود. صد دویست متری مدرسه که می‌رسیدیم، به مردانگی‌ام احترام می‌گذاشت، بال چادرش را وا می‌کرد و من دوباره پلک می‌گشودم به دنیای ترسناک و کیف می‌کردم از این که این قدر من را بلند است. من آزادی نمی‌خواهم که با یوسف به زندانم...

۳۷ ساله‌ام. سی و هفت سالگی‌ام توی روزنامه کار می‌کنم. عینک می‌زنم. کتاب می‌خوانم. قسط دارد و شلوغی مترو رنجش می‌دهد. سی و هفت سالگی‌ام از شما چه پنهان یک چادر مادر هشت سالگی‌ام را آورده تهران یک وقت هایی که خیلی دلش بگیرد، شمد می‌کند رویش و می‌خزد زیر گل‌های حالا بور شده‌اش و آرام‌اشک می‌ریزد. برای منی که چادر مادرش دژ محکم و استواری بوده که پناه همه دلشوره‌هایش بوده، حالا سختش است در همین روزهای سی و هفت سالگی ببیند زنی (تو بخوان دختر یک وزیر که ۳۰ سال است وزیر است) که تا پیش از این به دوربین (بی‌چادر و البته با حجاب) لبخندهای پودوی می‌زده، به دلیل چنگ زدن به بیت‌المال و فساد مالی و ربا و... به چنگ قانون افتاده و حالا که در جلوی دوربین‌ها و دادگاه و قاضی باید راجع به این ۱۸۵ میلیارد تومان به مردم توضیح بدهد، چادر مشکی سر کرده و رویش را گرفته مثل همان زن‌های نجیب و عاشق خانه خوشروها... شما که همه چیز دارید! شما که در ناز و نعمت‌زاده شده اید! اما دلمان به همین خاطرات خوش است. خاطرات ما را مسخره نکنید خانم.



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

دادگاه اقتصادی دختر وزیر اسبق با واکنش‌های اجتماعی مردم مواجه شد

چرا با چادر؟



حسن ناخوشایند بهم دست داد. مفهوم منافق رو با دیدن دادگاه مفسدین اقتصادی باگوش‌ت و پوست و خونم درک کردم. «دزدان جیب و جان ملت را چادر نپوشانید! چادر، پوششی برای عفت و حیاست، نه سرپوشی برای دستبرد و خیانت!»، «تا وقتی آزادند مال و دارایی مردم را غارت می‌کنند. وقتی هم دستگیر می‌شوند، دزد اعتقادات و باورهای مردم می‌شوند». «کاری که شبنم نعمت زاده با استفاده ابزاری از چادر کرد، رضاخان با کشف حجابش نکرد...!!!!»...

این حجم انتقاد و واکنش عمومی به شکل ظاهری شبنم نعمت زاده نشان می‌دهد، همان‌طور که مردم جامعه ما نسبت به فساد مالی و سوءاستفاده از امکانات عمومی حساس هستند، نسبت به دزدی باورها و اعتقاداتشان هم حساس‌اند.

متهمان زن لزوماً نباید چادر بپوشند

واکنش به پوشش چادر متهمان و استفاده ابزاری از حجاب برتر از دادگاه متهمان شرکت‌کیمیا خورو شدت گرفت. متهمان زن این پرونده با چادر مشکی در دادگاه حاضر شدند تا از این پوشش به عنوان مانعی در برابر رسانه‌ها استفاده کنند. این اعتراضات ادامه داشت تا آنکه حجت‌الاسلام، سید ابراهیم رئیسی، رئیس دستگاه قضا در نشست هم‌اندیشی با فعالان و نخبگان حوزه حقوق زنان در پاسخ به انتقادی در مورد پوشاندن چادر به متهمان زن که موجب زیر سؤال رفتن حجاب برتر می‌شود گفت: «بنده هم معتقدم، متهمان زن لزوماً نباید چادر بپوشند بلکه می‌توان ترتیباتی اتخاذ کرد که هر متهم زن با همان پوششی که به صورت عادی دارد منتها با رعایت شوونات، در دادگاه، دادسرا و زندان حضور یابد.» شاید بهترین راهکار درخواست یکی از فعالان اجتماعی از رئیس دستگاه قضا باشد که: «کاش اجبار شود تا متهمین خاص با همان پوششی که تخلف کرده‌اند در دادگاه حاضر شوند تا هم گندکاری‌های این جماعت ریاکار به پای قشر مذهبی جامعه نوشته نشود و هم نقشه‌ریا که در موجه نشان دادن خودشان و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی و دادگاه ناکام بماند...»



محمد عکاف

روزنامه نگار

این روزها متولیان امر حجاب و عفاف در اظهار نظرهای مختلف ضرورت برخورد با پدیده بدحجابی و کشف حجاب را مطرح می‌کنند و تأکید دارند که «برخورد با کشف حجاب یکی از اولویت‌های اصلی است و نباید در تابستان که شرایط ویژه‌ای برای گرمای هوا ایجاد می‌شود، پیگیری باشیم و در زمستان نه...!»

کاش دستگاه‌های نگران بی‌حجابی فکر می‌های مراقبت از ساحت حجاب کنند که نکند خانم متهمی با حجاب کامل و چادر مشکی چنان در دادگاه حاضر شود که انگار در مجالس دینی شرکت کرده است.

بازی با باور مردم

ماجرای پوشش خاص شبنم نعمت‌زاده، متهم به اخلاف در نظام داریویی کشور با واکنش‌های بسیاری مواجه شده است. عدد و رقم درشت این فساد اقتصادی بماند! چیزی که باعث جریحه دار شدن احساسات قشر مذهبی جامعه خصوصاً بانوان شده است، شکل استفاده از چادر توسط متهمه است. آنان این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا استفاده ابزاری از چادری که نشان دینی و عمق معنوی بانوان این سرزمین است، خودش جرم نیست؟ آیا این شکل مواجهه با پوشش چادر نمی‌تواند بر تلاش‌های فرهنگی و تبلیغی فعالان حجاب و عفاف تأثیر منفی بگذارد؟ با انتشار نخستین تصاویر از حضور دختر وزیر اسبق صنعت، معدن و تجارت با چادر مشکی و روی گرفته، واکنش‌های اعتراضی مخاطبان باهشتگ‌های#شبنم. نعمت. زاده و#دختر-زیر-آبی نسبت به استفاده ابزاری متهم از پوشش چادر مشکی آغاز شد. زیرا تا پیش از این، حضور وی در اماکن عمومی و حتی در تصاویر منتشر شده فضای مجازی با پوششی به غیر از چادر - البته پوشیده - بوده است.

آیا این جرم نیست!

مخاطبان در واکنش‌های خود به استفاده ابزاری از چادر نوشته‌اند: «تنها جایی که مسیح علی‌نژاد خوشحاله از چادر سر کردن یک زن، توی جلسه محکمه‌ست. پیش روی قاضی، جلوی دوربین...!» «چرا با همون پوششی که خلاف می‌کنید در دادگاه حاضر نمی‌شید؟» «چادر پوشش گوهر زن هست... نه جرم زن!» «همیشه این طوری نیست که چادر به آدم آبرو بده. اون کسی که چادر سرش میکنه هم به چادر آبرو میده...» «بعد دیدن این عکس حالم گتنتی نیست اما به لحظه از اینکه منم چادر سرم می‌کنم، از اینکه ممکنه تو ذهن افراد جامعه امثال من رو هم به این چشم نگاه کنن به



سید حمید حسینی

دبیرکل اتاق مشترک

ایران و عراق

تکریم بخش تولید در دستگاه عدلیه

تکریم فعالان اقتصادی خواسته دیرینه واحدهای تولیدی و فعالان بخش خصوصی است اما متأسفانه مقاومت زیادی در این زمینه وجود داشت که قوه قضاییه به این مقاومت پایان داد. قوه قضاییه هفته گذشته بخشنامه‌ای مبنی بر حضور اشخاص حقوقی در محاکم ابلاغ کرد که بر اساس آن از این پس مراجع قضایی علاوه بر مدیران عامل شرکت‌ها، معاونان حقوقی و همچنین وکلای شرکت‌ها را برای پاسخگویی به رسمیت می‌شناسد. در گذشته هر مشکلی که برای واحدهای تولیدی پیش می‌آمد و به هر دلیلی از آن شکایت می‌شد، مدیرعامل مجبور بود چند روز از کار خود صرف نظر کند تا به امور پیش آمده رسیدگی کند. این گلايه همیشه وجود داشت، به این دلیل که علاوه بر شلوغی دادگاه‌ها، شأن مدیران واحدهای تولیدی هم حفظ نمی‌شد. تکریم و احترام گذاشتن به فعالان اقتصادی به نفع اقتصاد کشور است. البته این اولین اقدام قوه قضاییه در راستای حمایت از تولید و بخش خصوصی نیست و چند ماه پیش دستگاه قضایی اقدام به تأسیس سامانه‌ای کرد تا اگر فعالان اقتصادی در روند دریافت مجوز تولید با مشکلی مواجه بودند به آن سامانه مراجعه و موارد مدنظرشان را ثبت کنند تا به آن رسیدگی شود. چهار مورد از قانون بهبود فضای کسب و کار مربوط به قوه قضاییه می‌شود که ورود این قوه می‌تواند معضلات موجود در این بخش را بکاهد. خواسته مهم بخش خصوصی تکریم و به رسمیت شناختن این بخش است. اکنون بانک‌ها جواز کسب را به عنوان ضمانت قبول دارند اما کارت بازرگانی در کشور جایگاهی ندارد و برای انجام امور عادی وثیقه ملکی از فعالان اقتصادی می‌خواهند.

از جمله خواسته‌های دیگر بخش خصوصی تشکیل دادگاه‌های تخصصی در زمینه مسائل اقتصادی است. اکنون دادسراهای پولی و بانکی تشکیل شده که تا حد زیادی مشکلات موجود در این زمینه کاهش یافته در حالی که در گذشته دادسراها به دلیل نداشتن تخصص، احکامی صادر می‌کردند که موجب اعتراض فعالان اقتصادی بود. مورد دیگر به این دادسری جرایم اقتصادی مربوط می‌شود که نیاز به قوانین جدید دارد. قوانین مربوط به اعلام ورشکستگی نیز از جمله مواردی است که بخش خصوصی خواستار تجدید نظر آن است. طبق قانون فعلی، اعلام ورشکستگی بین سه تا پنج سال طول می‌کشد که باید در این زمینه تجدید نظر شود. همچنین باید نسبت به تصویب حقوق مالکیت که منجر به امنیت اقتصادی می‌شود اقداماتی صورت گیرد.

۹۰٪

فروش استثنایی

اقساط

۱۰٪

تقدیم

اقساط ۶۰ ماهه بدون سود و کارمزد

صداهامردساختمان،باغ،باغچه،ویل،آپارتمان،مغاز،هم زمین‌های مسکونی، ویلاهی، تجاری، اداری، صنعتی، کشاورزی و ...

چنانچه خریدار ثمن معامله را **تقدیر** و یا حداکثر ظرف مدت **۳ ماه پرداخت نماید** از **۵۰ درصد تخفیف استثنایی بر خوردار خواهد شد**

جهت مشاهده لیست املاک به نشانی **اینتر نتی ذیل**

www.sfde.ir

و همچنین به **روز نامه امروز** هشتیری صفحه **۷** مراجعه فرمایید